

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شمی صلواتی
۲۷ سپتمبر ۲۰۱۸



نهایت ادغام در یک غروب

آن لحظه که،

به تنما دل

نشست بر چهره ام

زلف پریشانیت !

حس کردم

خوشبخت، خوشبختم

*** __ ***

نازنین ، دلیر خوبان !

من به خواب دوباره

می بینمش هر شب

که در میان تردید و ترس

گفتی «برو

برو، برو»

باز شوقت

به دریا زد و

بر دل آزرده ام نشست

*** __ ***

خاطرت هست
سر آغاز جنگ دولب
ادغام دو روح
در اوج مهربانی
که من همچون
اسب وحشی بودم
تو دشت بیکران محبت

هنوز، که هنوز
خاطرت ثبت وجوده،
خوراک گزدم و مار شود
دلی که،
"دل تنگ تو"
نباشد

گر چه غم انگیز بود
پایان قصه،
اما تو خوبترین خوبانی!
زین رو، به هر کجا یادی از تو بود رفتم
چه کنم، تو آزاده بودی و رفتی
و من در حسرت تو پناه بردم به تنهایی.

یادی از یک خاطره بسیار زیبا
۱ - فبروری ۲۰۱۲ شمی صلواتی